

## چهل بیت از یک مثنوی تاریخی ناتمام از نبیل زرنندی

وحید بهمدی

اثر منظومی که برای اولین بار در اینجا منتشر می‌شود، عبارت است از چهل بیت اول یک مثنوی ظاهراً ناتمام که شاعر و مورخ بزرگ عهد ابهی، جناب نبیل زرنندی، به مناسبت تشریف‌فرمایی حضرت بهاء‌الله به خیمه‌ای که سید محمدعلی افنان تقدیم کرده بود، سروده است. (۱)

نسخه اصل این منظومه به خط جناب نبیل زرنندیست که روی کاغذ نازک زردرنگ نوشته شده است. در گوشه بیت آخر که می‌گوید "میرزا بدیع‌الله در داخل خیمه به حضور مبارک عرض کرد" و در اینجا متوقف می‌شود، به خط جناب نبیل چنین یادداشت شده است: "صد قروش امانت‌الله با جناب محمد ابراهیم ناظر." گویا وقتی که جناب نبیل به این بیت چهلمین رسیده بودند آقا محمد ابراهیم به دیدن او آمده و رشته نظم او را بریده است.

چند سال قبل نگارنده از استاد بزرگوار جناب ابوالقاسم افنان راجع به هویت افنانی که جناب نبیل در این مثنوی ذکر کرده سؤال کرد و ایشان تأکید فرمودند که مقصود جناب محمدعلی افنان، پسردایی حضرت ربّ‌اعلی است. قرائن هم به این نکته دلالت می‌کند زیرا معروف است که جناب افنان مذکور هر چند گاهی هدایایی از خاور دور به حضور مبارک تقدیم می‌کرده است، من جمله عینکی که جمال مبارک آن را به خاورشناس معروف،

براون، عنایت فرمودند و اکنون بین موروثات براون در دانشگاه کمبریج انگلستان نگاهداری می‌شود.

جناب حاج سید محمدعلی افنان، فرزند خال اکبر جناب سید محمد، بود که تقریباً همنس حضرت ربّ اعلیٰ بوده است. ایشان در شیراز و بعداً در چین به تجارت مشغول بود و در بندر هنگان، هنگ کنگ کنونی، سکونت داشت. جناب افنان مذکور، اولین شخص از خاندان افنان بود که به بشارت حضرت اعلیٰ نسبت به ظهور من یظهره الله توجه نموده به امر حضرت بهاءالله ایمان آورد. در ایام اقامت هیکل مبارک در بغداد یک بار به حضور مبارک مشرف شد و همچنین یک بار دیگر در عکا، که بنا بر شرحی که در تذکرةالوفاء آمده باید اندکی پس از خروج هیکل مبارک از حبس قشله باشد، زیرا چنانکه در آن تذکره ذکر شده، وقت ورود جناب افنان به عکا، احبای آنجا هنوز اجازه بیرون رفتن از شهر عکا را نداشته اند. جناب افنان از عکا به چین برگشتند و سپس به هندوستان منتقل گشتند و در سال ۱۳۱۴ هجری در بمبئی در اثر بیماری به ملکوت ابهی صعود نمودند. جسد ایشان را احباء به عراق منتقل نموده در مدائن در جوار قبر سلمان فارسی دفن کردند. (۲) حضرت عبدالبهاء در تذکرةالوفاء شرح حال و مراتب خلوص و ایمان ایشان را بیان فرموده‌اند. (۳) تاریخ نظم مثنوی مندرج در اینجا، اگر در همان روز واقعه مذکور در آن باشد، روز پنجشنبه (استجلال) ۱۱ شهرالعزه سال ۳۶ بدیع که مطابق شوال ۱۲۹۷ هجری و مطابق ۱۸ سپتمبر ۱۸۸۰م می‌باشد، زیرا جناب نبیل در مثنوی می‌گوید این تشریف فرمایی هیکل مبارک به خیمه‌ای که جناب افنان تقدیم کرده بود در ماه شوال سال اوفی بوده. اوفی به حساب جمل ۹۷ است که مقصود سال ۱۲۹۷ هجری است. در آن سال شهرالعزه و شوال قمری همزمان بودند و همچنین ۱۱ شهرالعزه موافق با ۱۸ سپتمبر بوده است.

البته تجزیه و تحلیل مطالب عرفانی و ایمانی و همچنین اشارات و تلمیحاتی که ابیات ذیل شامل آن است احتیاج به شرح و تفصیل دارد که در این مقدمه مختصر نمی‌گنجد.

#### متن مثنوی

نسیم ابتهاج اندر هزیز است      هوا صاف و لطیف و مشکبیز است

که در دوش نگار آمد معلق  
 همه ذرات، از مه تا به ماهی  
 بسان عندیبان در تغنی  
 ملیک کشور خویان، لک الشکر  
 شود لبریز بهجت، جام عالم  
 به عالم کی دگر اندوه مانند  
 به زنجیر وفایش پای بستند  
 که از عکا جمال الله اعظم  
 غریق فضل کرد ارض و سما را  
 که بد حادی عشر زین شهر ابهی  
 به فیروزی ملیک ملک بهجت  
 مکین گردید در قصر جلالش  
 شده ارسال در این سال اوفی (۵)  
 نهان در جنت بهاج بوده  
 کشیده بر ظهورش از خفایش  
 شده سیار در دریای منان (۶)  
 کشیده دست فضالی به ساحل  
 به صد دیده به عرش فضل ناظر  
 نمودم طی هزاران بحر و برها  
 مفرما از عطاییت نا امیدم  
 چو بشنید آندم آوای حنینش  
 چنان امر آمد از سلطان بهاج  
 فراز تل شود آن خیمه برپا  
 دویده اندر آن ساعت پیاده  
 به شوق و ابتهاج بیشمارش  
 بشد تا عرش سلطان تبارک  
 فرود آمد ز قصر کبریایی

از آن فرعین مشکین محلق  
 معطر گشته آفاق الهی  
 زبان بگشوده با شور و ترنی  
 که ای محبوب محبوبان، لک الشکر  
 که از این جعد مُشک افشان، دمام  
 صبا چون نفحه‌ای از وی وزاند  
 دمام عاشقان زین رام مستند  
 خصوصا اندر این سؤال اکرم  
 به قصرالله زد از احسان لوا را  
 صباح یوم استجلال اعلی  
 به یوم عزت اندر شهر عزت  
 منور قصر را کرد از جمالش  
 معلاً خیمه‌ای کز خطه فا (۴)  
 که دست قدرتش نجاج بوده  
 کنونش دست الطاف بهایش  
 به فلک همت عالی افنان  
 درین ماهش پس از طی مراحل  
 به باب قصر ابهی گشته حاضر  
 که از حب تو ای محبوب ابهی (۷)  
 کنون در باب اجالت رسیدم  
 ز عرش الله شه جان آفرینش  
 بحور رحمتش گردید موج  
 که در تلقای عرش شاه ابهی  
 ملوک عالم غیب و شهاده  
 گرفته هر یکی از یک کنارش  
 به پا کردند و صوت یا مبارک  
 شهنشاه بهاء با دلربایی

به سوی خیمه مشی آغاز فرمود  
 چو در خیمه نسیم وصل سر کرد  
 چنان شد مرتفع بانگ سرورش  
 که همچون طیر در پرواز آمد  
 که محبوب قدم در وی قدم زد  
 به رویش جمله ابواب جنان را  
 گشود و پر سرور و وجد کردش  
 چو اندر عزت، عزت به پا شد  
 که با عزت قرین باشد همیشه  
 الهی حق آن ابهی الخیامت  
 که عالم را ز مجدش بهره ور ساز  
 ضیاء الله در آن ابهی الخیام

به دلها باب رحمت باز فرمود  
 از آن اعلیٰ الوردش با خبر کرد  
 چنان برداشت از جا سیل نورش  
 به سان رعد در آواز آمد  
 در اول با وی از تبریک دم زد  
 در خیر زمین و آسمان را  
 در این عالم خباء مجد کردش  
 ز سلطان قدر آن سان قضا شد  
 چو فردوس برین باشد همیشه  
 که در یوم تو برپا شد به نامت  
 فضایش را تمام بحر و بر ساز  
 بدارد عرضه مولی الانامش

## یادداشتها

۱. چند سال قبل، نگارنده نسخه اصل این مثنوی را در بین آثار قدیمی خانوادگی و به التحدید در جوف یک نسخه قدیمی شاهنامه نزد جناب اسفندیار سیاوشی که در دوره ولایت امر از جمله خادمان روضه مبارکه بود یافته است و اکنون نسخه اصل آن در کتابخانه خصوصی نگارنده موجود است.
۲. عبدالحمید اشراق خاوری، کتاب خاندان افنان سدره رحمن، (مؤسسه ملی مطبوعات امری، طهران، ۱۲۷ بدیع) صص ۸۱-۹۵-۱۰۶
۳. حضرت عبدالبهاء، تذکرة الوفا، (مطبعة عباسیه، حيفا، ۱۹۲۴م.) صص ۳۱-۳۸
۴. «خطه فا» کنایه از اقلیم فارس است که متضمن مدینه مبارکه شیراز و بندر بوشهر می باشد
۵. عبارت «شده ارسال» دلالت بر این می کند که از فارس فرستاده شده بود و جناب افنان شخصا آن را به عکا نیاورده بودند.
۶. خیمه مذکور از بندر بوشهر فارس از راه دریا به ارض اقدس فرستاده شده بود
۷. خطاب این بیت و بیت بعد از زبان خیمه است.



خیمه تقدیمی سید محمد علی افغان به حضور حضرت بهاء الله

